

این شعار جغد جنگ را در گلو خفه کنید

امروز لبنان - فردا ایران

همه کسانی که اخبار تهاجم اسرائیل به لبنان و فلسطین و موضع گیری های حاکمیت جمهوری اسلامی، در ارتباط با این حمله نظامی را در سه هفته گذشته و بدقت دنبال کرده اند، باید دو مصاحبه و اظهار نظر را خوب بخاطر داشته باشند. نخست ارزیابی سیدحسین نصرالله رهبر حزب الله لبنان درباره دلیل حمله اسرائیل به لبنان، در مصاحبه با خبرگزاری الجزیره و دوم گنده گوئی رهبر جمهوری اسلامی - علی خامنه ای- در دیدار با "چاوز" رهبر اصلاحات انقلابی و رئیس جمهور کشور نفت خیز امریکای لاتین "ونزولا".

سید حسن نصرالله، در مصاحبه با خبرگزاری الجزیره مدعی شد: «اسرائیل می خواست در حوالی ماه اکتبر و در چارچوب یک برنامه و توطئه سراسری به لبنان حمله کند و ماجرای ربودن دو سرباز اسرائیلی این برنامه و توطئه را خنثی کرد!»

چند روز پس از این مصاحبه و اظهار نظر، رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با "چاوز"، همین ادعا را، در ارتباط با جنگ لبنان، در جمله ای مشابه طرح کرد و گفت «پیش دستی حزب الله طرح امریکا را بهم ریخت» (عنوان بزرگ روزنامه کیهان یکشنبه ۸ مرداد)

بدین ترتیب و بموجب این ادعای مشترک، در راس رهبری حزب الله لبنان و رهبری جمهوری اسلامی، بی آنکه مردم هر دو کشور بدانند در پشت صحنه چه می گذرد و یا چه گذشته است، تصمیم به یک پیشدستی گرفته می شود و دو سرباز اسرائیلی ربوده می شوند، تا تهاجم ویرانگر و جنایتکارانه اسرائیل به لبنان و فلسطین آغاز شده و خاورمیانه وارد مرحله تازه ای شود. اکنون، آن بهانه زمینه ساز جنگ- یعنی ربودن دو سرباز اسرائیلی- چنان در حاشیه رویدادی جنگی قرار گرفته، که دیگر کمتر درباره آن حتی صحبت می شود و بدشواری در میان انبوه اخبار سیاسی و جنگی لبنان کسی بخاطر دارد که آن دو سرباز را حماسی ها در فلسطین ربوندند و یا حزب الهی ها در لبنان. چرا که اکنون بحث نه در باره آن سرباز ربائی و بقول رهبر جمهوری اسلامی و رهبر حزب الله لبنان "خنثی سازی توطئه اسرائیل و یا پیشدستی حزب الله برای خنثی سازی توطئه امریکا"، بلکه استقرار یک ارتش بین المللی - با شرکت ارتش های چند کشور عرب و مسلمان منطقه- در لبنان و اشغال و تصرف آنست.

ابتدا فرض را بر این قرار می دهیم که هم رهبر حزب الله لبنان و هم رهبر جمهوری اسلامی، بر پایه اطلاعاتی فوق محرمانه و یا تحلیلی دقیق از رویدادهای جهان و منطقه خواسته اند توطئه ای را خنثی کنند.

این توطئه از این دو حال خارج نیست:

- ۱- طرح حمله نظامی مشترک امریکا و اسرائیل به ایران در مراحل آغاز بوده و با جنگ لبنان، اجرای این نقشه با مانع روبرو شده،
- ۲- حمله به مراکز پرتاب و انبارهای موشک های ساخت ایران و انتقال یافته به لبنان برای مقابله با اسرائیل در صورت حمله به ایران، قرار بوده - مثلاً- در ماه اکتبر صورت گیرد و حزب الله لبنان آن حمله را جلو انداخته تا همزمان با حمله به ایران صورت نگیرد و ضمناً کارزای ضد اتمی که علیه ایران در جهان و منطقه جریان دارد تخفیف یابد.

هر فرض دیگری جز در کلیات همین دو فرض، اهمیتی در حد دو ارزیابی رهبر حزب الله لبنان و رهبر جمهوری اسلامی که در بالا آوردیم را ندارد.

حال برگردیم به صحنه روبرو و حوادث سیاسی و جنگی متعاقب ۲۰ روز بمباران لبنان. آیا جلو انداختن فرضی حمله اسرائیل به لبنان طرح حمله نظامی به ایران را عقب انداخت و یا خنثی کرد؟ و یا برعکس حالا کشورهای عرب منطقه را هم مصمم تر از گذشته پیرو سیاست جنون آسای امریکا و اسرائیل برای حمله به ایران کرده است؟ تبلیغات وسیعی که درباره موشک های ایرانی مستقر در لبنان اکنون راه افتاده به سود سیاست امریکا برای حمله به ایران بود و یا به زیان آن؟ در داخل کشور و علیرغم پیوند عاطفی و همدردی که مردم ایران با مردم عرب منطقه و موضع گیری سنتی که علیه اسرائیل دارند فاش شدن انتقال هزاران موشک از ایران به لبنان و برای حزبی که در پارلمان فراکسیون دارد و فعالیت قانونی و رسمی و اکنشی مثبت داشته است؟ مردم از خود در این روزها نمی پرسند: حاکمیتی که اجازه نداد حزب پیروز در انتخابات مجلس ششم یک روزنامه ارگان حزبی داشته باشد و درهای تلویزیون را به روی رئیس جمهور منتخب کشور (خاتمی) بست و تاب تحمل یک حزب سیاسی واقعی را در کشور ندارد، چگونه خود را محق می داند یک حزب سیاسی در یک کشور دیگر (حزب الله و لبنان) را مجهز به موشک کند؟

با فاش شدن انبارهای موشکی جمهوری اسلامی در لبنان، حالا دشوار است افکار عمومی اروپا و حتی منطقه عربی خاورمیانه را قانع ساختن به اینکه در صورت تولید بمب اتم در ایران، این حاکمیت به همینگونه که موشک های ساخت خود را به لبنان منتقل کرده، آن بمب های اتمی و یا موشک های اتمی را به منطقه و حتی اروپا منتقل نخواهد کرد و بنابراین باید هرچه زودتر جلوی آن را گرفت؟

بنظر ما تمام آن فرضیاتی که بموجب آنها رهبر جمهوری اسلامی و رهبر حزب الله لبنان آن ارزیابی را درباره ربودن دو سرباز اسرائیل و آغاز جنگی که فعلا سه هفته از آغاز آن می گذرد و چشم اندازی برای پایان آن تا زمان رسمیت یافتن اشغال لبنان وجود ندارد نقش بر آب است.

به همین دلیل، حال باید دو نتیجه دیگر هم از این فاجعه گرفت:

الف- آن منابع اطلاعاتی و یا آن کسانی که بعنوان صاحب اطلاعات محرمانه در کنار رهبر جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان قرار گرفته اند و چنین زیرکانه آنها را بدنبال خویش می کشند چه کسانی اند؟ آنها که چنین ماهرانه به سود اسرائیل و امریکا عمل می کنند کیستند؟ (در همین شماره راه توده از قول سیاستمدار کهنه کار اتحاد شوروی سابق "پریماکف" بخوانید که چگونه سفیر امریکا در بغداد صدام حسین را به دام حمله به کویت کشید.)
ب- تمرکز قدرت در یک محفل مافیائی به بهانه تشکیل حکومت یکدست و حرکت از روی سر مردم بی خیر از همه جا و خود بریدن و خود دوختن، سرانجام به فاجعه عظیم یورش اتمی به ایران و برباد رفتن کشور ختم خواهد شد؟

آن تصاویر تکانه‌دهنده ای که از بمباران لبنان در این روزها می بینیم، تصاویر کم اهمیتی در برابر جنایت هولناکی که در ارتباط با ایران می خواهند مرتکب شوند نیست؟
نباید اجازه داد لبنان امروز، ایران فردا شود. فاجعه آفرینان کم خرد و توهم زده ای که با جنون رهبری جهان اسلام می روند تا ایران را برباد بدهند، باید کنترل شده و زمینه به زیر کشیدن آنها را فراهم ساخت. این زمینه سرانجام نیز می تواند فراهم شود، اما مهم آنست که قبل از وقوع فاجعه زمینه آن فراهم شود. با همین رویکرد است که از نیمه دوم، دوره دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی راه توده نگران از آینده تحولات نوشت و پس از برگماری احمدی نژاد به ریاست جمهوری بر آن تاکید ورزید: هر نوع تحول و اصلاحاتی در ایران، این بار بدون به زیر کشیدن فاجعه آفرینانی که اکنون سیاست جنگی را در کشور پیش می برند ممکن نخواهد شد و مردم نیز به هیچ تحولی جز این باور نخواهند کرد. بنابراین مرحله ای که آغاز شده دشوارتر از دوران اصلاحات و درعین حال قطعی تر و تضمین شده تر خواهد بود. ایستادن در برابر جنگ طلبانی که چنین آسان در غیاب مردم برای سرنوشت آنها

تصمیم می گیرند و بدون شناخت از ماهیت امپریالیسم در مرحله کنونی و توازن موجود قوا در عرصه جهانی و ضرورت وحدت ملی بجای ایجاد وحشت ملی می خواهند پیش بروند اجتناب ناپذیر است. باید ایستاد و شعاری را سر داد که علیه سیاست جنگی آنهاست. این شعار "صلح" است و با فاجعه ای که امریکا و اسرائیل در لبنان سرگرم آن هستند، مردم ایران بیش از گذشته از خواب غفلت برخاسته و می توان آنها را علیه جنگ و ویرانی بسیج کرد.

ایستاد
و صلح